

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۵/۲۷

موضوع: ولایت و امامت امیرالمؤمنین، مسئله ای مهمتر از «نماز» و «روزه»!

(سخنرانی در آموزش و پرورش شهرستان ماهشهر)

فهرست مطالب این سخنرانی:

تهدیدی در قرآن که متوجه کل اسلام و رسالت است

بزرگترین پیام آیه ولایت

چرا مسئله «ولایت» از «نماز» هم، مهمتر است؟!؟

روایت صحیح بخاری، که باعث استبصار عالم اهل سنت سوریه شد!

ثواب روزه عید غدیر از زیان «ابوهریره»!!

یک سؤال ساده از برادران اهل سنت!

سؤالی که امام صادق (سلام الله علیه) در پاسخش قسم خورد!

بیت القصیر «ولایت در قرآن»، این سه آیه است!

بیت القصیر «ولایت در روایات»، این سه روایت است!

مناظره با مفتی اعظم عربستان درباره مشروعیت توسل

فرقه ای که خطرش از خطر «وهابیت» و «داعش» بیشتر است!

من حاضرم با این شخص مناظره و سپس مباحثه کنم!

نمونه ای از ادعاهای کفرآلود «احمد الحسن»!

پرسش: (چرا نامی از امام علی و امامان در قرآن برده نشده است؟)

پرسش: (نشانی سائیتی در رابطه با شبهات فتنه «یمانی» را بدهید)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

خدا را بر تمام نعمت‌هایش بویژه نعمت ولایت سپاس می‌گوییم و فرا رسیدن دهه ولایت و ایام غدیر و «عید الله الاکبر» روز اکمال دین و اتمام نعمت الهی و اعلان رضایت حق از دین اسلام را هم به شما گرامیان تبریک و تهنیت می‌گوییم. خدا را سوگند می‌دهیم به آبروی صاحب ولایت، عیدی ما را فرج موفور السرور مولایمان بقیة الله الاعظم قرار بدهد ان شاء الله.

موضوعی که دوستان اعلام کردند تا ما در خدمت‌تان باشیم، موضوع ولایت و امامت و پاره‌ی از شبهات این حوزه است.

**تهدیدی در قرآن که متوجه کل اسلام و رسالت است**

قبل از ورود به اصل امامت این نکته را در نظر داشته باشیم که موضوع امامت و ولایت در میان معارف دینی ما از اهمیت ویژه‌ی برخوردار است که شاید هیچ یک از معارف دینی، در این سطح نباشد.

همین که ما می‌بینیم خدای عالم در قرآن آیه ۶۷ سوره مائده می‌فرماید:

**(يا أَيُّهَا الرَّسُولُ)**

ای پیامبر!

**سوره مائده (۵): آیه ۶۷**

معمولاً خدای عالم نبی خودش را آن‌جا‌های که بحث تبلیغ شرایع دین است با «یا ایها النبی» خطاب می‌کند، الا موارد حساس و ضروری، مواردی که اهمیت فوق‌العاده دارد یا مسئله، مسئله مهم و ضروری است با کلمه «یا أَيُّهَا الرَّسُولُ» خطاب می‌کند. فرمود:

**(بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ)**

آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است، کاملاً (به مردم) برسان!

**سوره مائده (۵): آیه ۶۷**

آنچه که ما به تو دستور دادیم به مردم ابلاغ کن، ابلاغ کار نبی مکرم است

**(إِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ)**

بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است

**سوره آل عمران (۳): آیه ۲۰**

وظیفه پیغمبر، ابلاغ احکام الهی به مردم است؛ ولی این ابلاغ، یک ویژگی دارد که در هیچ جای قرآن این ویژگی نیامده است، و آن این است که فرمود:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

و اگر ابلاغ نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای!

سوره مائده (۵) آیه ۶۷

اگر این دستور ابلاغ نشود، رسالت الهی انجام نشده است؛ یعنی شاید همچنین تهدیدی نسبت به نبی مکرم در ۲۳ سال سابقه ندارد، بلکه در رابطه با شرک برای این که قضیه به خوبی روشن بشود قرآن می‌گوید:

(لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَخْبَطَنَّ عَمَلُكَ)

اگر مشرک شوی، تمام اعمال تباه می‌شود

سوره زمر (۵): آیه ۶۵

پیغمبر! اگر خدای نخواستہ شرک بورزی تمام اعمال نابود خواهد شد

(وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ)

اگر او سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم

سوره الحاقه (۶۹): آیات ۴۴ - ۴۵

اگر چنانچه کوچک‌ترین تغییری در وحی صورت بگیرد ما رگ گردنت را می‌زنیم، این سومین موردی است که نبی مکرم با جملات شدید و غلیظ مواجه می‌شود، این جملات شدید و غلیظ از آیه اول و دوم تهدید خیلی مهم‌تر و بالاتر است.

در (لَئِنْ أَشْرَكْتَ) اصلاً ویژگی شرک این است که اگر شرکی بیاید تمام اعمال انسان حبط می‌شود، یا خدای نکرده در آیات قرآن تغییری صورت بگیرد این تهدید متوجه شخص پیغمبر است؛ ولی در این جا تهدید متوجه

کل اسلام و رسالت است که اگر این ابلاغ صورت نگیرد تمام زحماتی که در ۲۳ سال کشیده‌ی همه بی‌اثر و بی‌ثمر است.

### (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

یعنی تهدیدی است که در سراسر قرآن سابقه ندارد، این آیه هم جزو آخرین آیاتی است که بر نبی مکرم نازل شده. در شرایطی که نماز، روزه، حج و جهاد و دیگر مسائل توحیدی و مسائل مربوط به معاد و مربوط به نبوت تکلیفش روشن شده است، معلوم می‌شود که یک مسئله خیلی مهم و اساسی است که خدای عالم این‌چنین مورد خطاب قرار می‌دهد که اگر این امر صورت نگیرد رسالت ناتمام است.

### بزرگ‌ترین پیام آیه ولایت

من نمی‌خواهم سراغ کتب شیعه برویم، سراغ کتب اهل سنت برویم ببینیم در ذیل این آیه چه آورده‌اند؟ در کتاب «روح المعانی» آقای «آلوسی» که از سلفی‌های تندرو و متشدد است؛ یعنی یک سنی عادی نیست، نسبت به علمای شیعه عبارتهای وقیح و زشت به کار می‌برد؛ ولی به این آیه که می‌رسد تعبیر عوض می‌شود، این کتاب «تفسیر روح المعانی آلوسی» است، ایشان متوفای ۱۲۷۰ است ببینید چه تعبیری دارد؟

### «أخرج ابن مردويه عن ابن مسعود كنا نقرأ على عهد رسول الله»

عزیزانی که با ادبیات عرب سر و کار دارند می‌دانند کلمه «کان» که استعمال می‌شود دلیل بر استمرار است؛ یعنی اصلاً همیشه در داخل «کان» استمرار و همیشگی خوابیده. «کنا» هم می‌گوید «کُنْتُ» نمی‌گوید، صیغه مع‌الغیر است. صیغه متکلم وحده نیست، ما همه صحابه این آیه را در زمان پیغمبر این‌طوری می‌خواندیم:

### «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»

علی ولی امر مؤمنین است

## «وإن لم تفعل فما بلغت رسالته»

اگر چنانچه ولایت علی اعلام نشود، رسالت بی اثر و بی ثمر است.

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: ۱۲۷۰هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج ۶، ص

۱۹۳

در این بیان، چند نکته خوابیده است:

یک: اهمیت ولایت از دیدگاه خدای عالم. که این ولایت است که می تواند رسالت را استمرار بدهد، اگر این ولایت، صورت نگیرد رسالت ابتر می شود با رفتن نبی مکرم دیگر بساط دین و اسلام برچیده شده است.

نکته دوم: پیامی برای ما است که اگر ما نمازمان را بخوانیم روزهمان را بگیریم تمام کارمان را انجام بدهیم، اگر چنانچه برای ولایت اهمیت ندادیم اعمال دیگر ما هدر است، وقتی که نبی مکرم این چنین مورد خطاب قرار می گیرد تکلیف ما هم روشن است.

امروز بزرگترین پیام این آیه برای ماها این است که اگر چنانچه از کنار مسئله امامت به سادگی عبور کردیم فردای قیامت چیزی دست ما نیست. همانطوری که اگر رسول اکرم امامت و ولایت را اعلام نمی کرد زحمات ۲۳ ساله اش هدر می رفت.

## چرا مسئله «ولایت» از «نماز» هم، مهمتر است!؟

ولذا این آیه برای ما روشن می کند که ما برخوردمان با ولایت باید چگونه باشد به این خاطر ما در روایات مختلف و متعدد می بینیم که این قضیه کاملاً روشن شده، کتاب «کافی- کلینی متوفای ۳۲۹» که اولین کتاب از کتب اربعه شیعه است دارد:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصُّومِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ»

در میان شرایع، هیچ موضوعی به اهمیت ولایت نیست. بعد حضرت فرمود:

«فَأَخَذَ النَّاسُ بِأَرْبَعٍ وَ تَرَكُوا هَذِهِ الْوَلَايَةَ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۱۸

حضرت می فرماید: مردم دنبال نماز، صوم ماه رمضان، زکات و حج می‌روند؛ ولی ولایت را کنار گذاشته‌اند به ولایت اهمیت نمی‌دهند.

یا در صفحه بعدی دارد:

«وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ مَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ يَوْمَ الْغَدِيرِ»

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۲۱، ح ۸

امام باقر (سلام الله عليه) می‌فرماید که در میان شرایع، افضل، ولایت است چرا؟ زیرا:

«لِأَنَّهَا مِفْتَاحُهُنَّ»

ولایت، کلید شرایع است

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۲؛ ص ۱۸

اگر کسی بخواهد وارد محدوده ولایت شود، از در ولایت وارد شود کلیدش امامت و ولایت است. غیر از این راه دیگری نیست، در روایت دیگر می‌فرماید:

«بِنَا عُبْدَ اللَّهِ»

بواسطه ما عبادت خدا صورت می‌گیرد

الكافي (ط - الإسلامية)، کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دار الکتب الإسلامية - تهران، چاپ:

چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۱۴۵

علت اینکه می‌فرماید: «وَلَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِي بِالْوَلَايَةِ» یا «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ این است که می‌فرماید: بواسطه ما عبادت خدا صورت می‌گیرد، معرفت خدا باید از کانال ما باشد. وحدانیت خدا باید طبق دستورات ما صورت بگیرد.

روایت صحیح بخاری، که باعث استبصار عالم اهل سنت سوریه شد!

اینکه آقایان اهل سنت یا وهابیتی که اهل بیت را کنار گذاشتند و به سراغ صحابه رفتند دلیلی دارند یا ندارند، ما کاری با آنها نداریم. بحث ما، بحث علمی است؛ ولی شما تفاوت معارف شیعه را با معارف توحیدی آنها مقایسه کنید، روایاتی که از ائمه در رابطه با خدای عالم است ملاک توحید ما دو آیه است:

(لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ)

هیچ چیز همانند او نیست

سوره شوری (۴۲): آیه ۱۱



## (وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ)

و برای او هیچگاه شبیه و مانندی نبوده است

### سوره اخلاص (۱۱۲): آیه ۴

ولی شما وقتی سراغ وهابیت و سلفی‌ها می‌روید، دارند که خدای عالم هر شب ثلثی از شب که می‌گذرد، سوار الاغ می‌شود! خدا، خدای الاغ سوار شد! به آسمان دوم می‌آید، مردم را صدا می‌کند: آیا مردم آیا کسی حاجت دارد من برآورده کنم؟ مشکلی دارد حل کنم؟ گناهی دارد ببخشم؟ وقتی که طلوع فجر می‌شود، سوار الاغ می‌شود و به عرش سر جای خودش بر می‌گردد.

مرحوم «شیخ مفید» می‌فرمایند در «بغداد» بعضی از علمای سلفی یا اهل حدیث شب‌ها پشت بام‌شان جو و یونجه و علف می‌گذاشتند، اگر خدا با الاغش از آن‌جا می‌گذرد روی پشت بام این‌ها اقامت کند، رحمت بیشتری به خانه آن‌ها بیاید. این توحید منهای اهل بیت و منهای ولایت است!

یکی از علمای بزرگ اهل سنت «سوریه» که شیعه شده بود در شرح حالش می‌نویسد علت شیعه شدن من همین یک روایت است که در «صحیح بخاری» در صحیح‌ترین کتاب ما اهل سنت بعد از قرآن؛ آمده است که خدای عالم، ثلثی از شب می‌گذرد به آسمان دنیا می‌آید و طلوع فجر که می‌شود به طرف عرش می‌رود رحل اقامت می‌کند.

می‌گوید این روایت باعث استبصار من شد. چرا؟ چون این حدیث با عقیده «بطلمیوسی» که عقیده داشت کره زمین مثل پیاز است کرات دیگر هم اطراف او را گرفته‌اند قابل تطبیق بود.

ولی با ثابت شدن این‌که کره زمین، مدور است و به دور خودش می‌چرخد این ثابت می‌کند که این روایت‌ها اصل و ریشه ندارند، چون خدا اگر یک بار روی کره زمین بیاید در این‌جا زندانی می‌شود دیگر نمی‌تواند بالا برود؛

چون روایت می‌گوید قبل از طلوع فجر خدا بالا می‌رود، طلوع فجر کجا؟ خدا، خدای فقط «عربستان» و «خاور میانه» که نیست خدای کل کره زمین است.

کل کره زمین هر لحظه از لحظات شبانه روز یک جا طلوع فجر است، خدای عالم مدام بخواهد طلوع فجر نشده بالا برود طلوع فجر دارد می‌چرخد و لذا اگر یک بار خدا روی زمین بیاید طبق این روایت برای همیشه عرش خدا، از خدا خالی می‌شود.

می‌گوید: فهمیدم که این روایات، روایاتی نیست که از منبع وحی صورت گرفته باشد. این همان اسرائیلیاتی است که امثال «تمیم داری»ها «کعب الاحبار» یهودی و غیره در مصادر ما اضافه کردند.

همچنین شما نبوت را از دیدگاه اهل بیت و از دیدگاه این آقایان ببینید، این‌ها چندین روایت در «صحیح بخاری» دارند که حضرت رسول اکرم از خدای عالم عصبانی شد، تصمیم گرفت خودکشی کند؛ خودش را از بالای کوه پایین بیاندازد چرا؟ چون خدا دیر وحی رسانده و تأخیر در وحی کرده است!

جبرئیل می‌آید به دست و پای پیغمبر می‌افتد یا رسول الله تو را به خدا این دفعه یک مقداری تخفیف بده، ما هم می‌رویم از خدا خواهش می‌کنیم دوباره وحی بفرستد بعد از مدتی می‌گذرد دوباره پیغمبر می‌رود بالای کوه خودکشی کند، جبرئیل می‌آید آقا این دفعه آخرین دفعه است به خدا می‌گوییم زودتر وحی بفرستد!!

این‌ها مسخره بازی‌های است که با شریعت ما بازی کرده‌اند این‌ها را «یهودی»ها ساخته‌اند تا یک تحصیل کرده وقتی همچنین روایتی را می‌بیند به کل شریعت بدبین بشود، پیغمبری که اعصاب خودش را نمی‌تواند کنترل کند، چندین بار تصمیم بر خودکشی می‌گیرد، آیا این پیغمبر می‌تواند منجی و هادی بشریت باشد؟ از این روایات الی ماشاء الله در صحاح اهل سنت زیاد است.

خدای عالم به عزرائیل می‌گوید برو حضرت موسی را قبض روح کن، حضرت موسی آن‌چنان سیلی به صورت عزرائیل می‌زند که چشمش از حدقه در می‌آید و کف دستش قرار می‌گیرد، عزرائیل می‌گوید خدایا من را سراغ حضرت موسی فرستادی، چشم من را از حدقه در آورد، خدایای عالم یک جلسه آشتی کنان بین عزرائیل و حضرت موسی قرار می‌دهد!! این‌ها جای خالی همان فرمایش است که فرمود «بِنَا عُرِفَ اللَّهُ» معرفت خدا باید از کانال ما باشد.

من از خواهران عزیز عذر می‌خواهم حضرت موسی کنار یک رودی می‌خواهد غسل کند لباسش را روی یک سنگ می‌گذارد، وقتی که دوباره می‌آید لباسش را بپوشد سنگ لباس حضرت موسی را بر می‌دارد و فرار می‌کند حضرت موسی هم دنبال سنگ:

**«تُؤَيِّي حَجْرٌ تُوِيِّي حَجْرٌ»**

ای سنگ تو را به خدا بایست من لباسم را بگیرم

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶، دار النشر: دار ابن كثير، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب البغا، ج ۳، ص ۱۲۴۹، ح ۳۲۲۳

بعد لخت مادر زاد می‌آید «بنی اسرائیل» او را می‌بینند! این‌ها توهین، اهانت و کفریات است روی این جهت است که حضرت می‌فرماید:

**«بِنَا عُرِفَ اللَّهُ»**

الكافي (ط - الإسلامية)، كليني، محمد بن يعقوب بن اسحاق، دار الكتب الإسلامية - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱؛ ص ۱۴۵

این که خداوند می فرماید:

**(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)**

یعنی مشخص است بعد از تو یک سری افرادی مانند «یهودی» های زخم خورده «مسیحی» های زخم خورده، «منافقین» زخم خورده می آیند می خواهند در شریعت تحریفاتی انجام بدهند، این اهل بیت است که می تواند جلوی این تحریف را بگیرد، این اهل بیت است که می تواند توحید واقعی را به مردم معرفی کند، نبوت و رسالت و معاد حقیقی را معرفی کند.

شما ذیل آیه شریفه:

**(يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَ تَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ)**

به خاطر بیاورید روزی را که به جهنم می گوئیم آیا پر شده‌ای؟ و او می گوید آیا افزون بر این هم وجود دارد؟!

**سوره ق (۵۰): آیه ۳۰**

را ببینید که در «صحيح بخاری» است خدای عالم فردای قیامت هر چه از مردم به جهنم می ریزد جهنم می گوید **(هَلْ مِنْ مَزِيدٍ)** خدایا دوباره بریز!

تا:

**«فَيَضَعُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدَمَهُ عَلَيْهَا»**

خدا پایش را روی آتش جهنم می گذارد آتش جهنم پای خدا را می بیند، پشیمان می شود می گوید:

## «فَتَقُولُ قَطُّ قَطُّ»

خدا دیگر بس است

الجامع الصحيح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة: ۲۵۶ ،

دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - ۱۴۰۷ - ۱۹۸۷، الطبعة: الثالثة، تحقيق: د. مصطفى ديب

البغا، ج ۴، ص ۱۸۳۵، ح ۴۵۶۸

نستجیر بالله آیا پای خدا همیشه در جهنم می ماند یا بعد از این که خدا پایش را از جهنم بر داشت دوباره (هَلْ

مِنْ مَزِيدٍ) می گوید؟ این ها توحید نیست این ها کفریاتی است که نتیجه دوری از اهل بیت است که رسول اکرم

فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي»

من در میان شما دو تا امانت گرانبهاء می گذارم کتاب خدا و اهل بیتم!

کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، اسلامیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ق، ج ۱؛

ص ۲۴۱

اگر به این دو تا تمسک کردید گمراه نمی شوید، قرآن تنها منهای اهل بیت ضلالت است. اهل بیت تنها منهای

قرآن ضلالت است، این نشان می دهد بر این که بحث ولایت اهل بیت یک جایگاه ویژه ی دارد که هیچ یک از

معارف دینی ما این جایگاه را ندارد بلکه ولایت کلید ورود به معارف دینی است.

«أنا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيْهَا بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ مِنْ بَابِهَا»

المعجم الكبير، اسم المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب أبو القاسم الطبراني الوفاة: ٣٦٠ ، دار النشر:

مكتبة الزهراء - الموصل - ١٤٠٤ - ١٩٨٣، الطبعة : الثانية، تحقيق: حمدي بن عبدالمجيد السلفي، ج ١١،

ص ٦٥

یعنی همین! من شهر علم و شریعت هستم، در این شریعت علی ابن ابیطالب است، اگر کسی بخواهد شریعت را فرا بگیرد باید از کانال علی و از کانال اهل بیت علی بیاید، کسی اگر بخواهد از دیوار بیاید به تعبیر امیر المؤمنین در «نهج البلاغه» این دزد است که از دیوار وارد خانه می شود و گرنه آدمی که قصد دزدی نداشته باشد در را می زند و از راه در می آید این یک نکته که عزیزان داشته باشند.

ثواب روزه عید غدیر از زیان «ابوهریره»!!

نکته دیگر این که در مسئله غدیر آیه دیگری می آید که این قضیه را بیشتر تثبیت می کند:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)

دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما

پذیرفتم

سوره مائده (٥٠): آیه ٣٠

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) چیست؟ آیا روزی که نماز، روزه و حج واجب شد؟ همه اینها در گذشته آمده و

انجام شده، شیعه و سنی معتقد است که بعد از نزول آیه (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) هیچ آیهی در رابطه با

شریعت وارد نشده. این آخرین آیاتی است که بر نبی مکرم وارد شده است.

جالب این است که بزرگان اهل سنت مثل آقای «خطیب بغدادی» متوفای ۴۶۳ از «ابو هریره» نقل می‌کند که روز ۱۸ ذی الحجه کسی روزه بگیرد معادل ۶۰ ماه روزه است:

«من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة كتب له صيام ستين شهرا وهو يوم غدیر خم»

غدیر خم چه روزی است؟

«لما أخذ النبي بيد علي بن أبي طالب فقال ألسنت ولي المؤمنين قالوا بلى يا رسول الله قال من كنت مولاه فعلي مولاه فقال عمر بن الخطاب بخ بخ لك يا بن أبي طالب أصبحت مولاي ومولى كل مسلم فأنز الله اليوم أكملت لكم دينكم»

روزی است که نبی مکرم دست علی گرفت... خلیفه دوم آمد به امیر المؤمنین تبریک گفت...

تاریخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: ۴۶۳، دار النشر: دار الكتب

العلمية - بيروت، ج ۸، ص ۲۸۹

ابتدا قبل از اعلان ولایت:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ)

بعد از اعلان ولایت:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

یعنی دین قبل از ولایت ناقص بوده اکمال در کجا می‌آید؟ اکمال در جای است که کاری ناقص باشد بگویند فلانی آمد کار را تکمیل کرد؛ یعنی قبل از این، کامل نبود ناقص بود و جالب این است که می‌فرماید:

## (وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا)

من امروز از اسلام راضی شدم

یعنی اسلام منهای ولایت مرضی خدا نیست، اسلام منهای ولایت مورد نظر خدا نیست مقبول خدا نیست.

یک سؤال ساده از برادران اهل سنت!

ما می‌بینیم در روایات متعدد شیعه و سنی آورده‌اند:

«مَنْ مَاتَ بِغَيْرِ إِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

هر کس بدون امام از دنیا برود مرگش، مرگ جاهلی است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

نمی‌گویند: «من مات بلا صوم مات ميتة جاهلية» اگر کسی بدون روزه از دنیا برود مرگش جاهلی است. یا: «من مات بلا حج من مات بلا صلاة!» ولی در این جا می‌گوید: «مَنْ مَاتَ بِإِمَامٍ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً» چون اسلام ناقصی است. دینی که امامت نداشته باشد آن دین، مرضی خدا نیست؛ یعنی قبل از اسلام در دوران جاهلیت مردم چه حالی داشتند؟ اگر مردم بیایند نمازشان را بخوانند، روزه‌هایشان را بگیرند و حجشان را هم بروند تمام کارهایشان را انجام بدهند؛ ولی ولایت نداشته باشند عین زمان جاهلیت است؛ یعنی انسان بدون اسلام از دنیا رفته است.

لذا همین تعبیر را همه‌ی عزیزان اهل سنت نقل کردند در «صحاح سته» شان آوردند در «صحیح مسلم» از قول «عبدالله عمر» نقل می‌کند:



## «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

صحیح مسلم، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱، دار النشر:

دار إحياء التراث العربي - بيروت، تحقيق: محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۸۴۹، ح ۱۸۵۱

«مسند احمد ابن حنبل» رئيس «حنابله» هم دارد:

## «من مات بغير إمام مات ميتة جاهلية»

اگر کسی بدون امام از دنیا رفت مرگ، مرگ جاهلی است.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني الوفاة: ۲۴۱، دار النشر:

مؤسسة قرطبة - مصر، ج ۴، ص ۹۶

خیلی از بزرگان اهل سنت در تفسیر و تحلیل این آیه معطل ماندند چه کار کنند؟ روایت در صحیح، سنن و مسانیدشان آمده از اینها سوال می کنند الان امام شما چه کسی است؟ پدر و مادرت از دنیا رفت طبق این روایت امامی داشته یا نه بدون امام از دنیا رفته؟ مرگش، مرگ جاهلی است.

بعضیها گفتند رئیس هر کشور امام زمان آن کشور است، خیلی از اهل سنت این را مسخره کردند مثلاً در آمریکا مسلمانها که هستند جناب «ترامپ» امام زمانشان است در «عربستان سعودی»، «ملک سلمان» امام زمانشان است در «عراق» قبلاً آقای «صدام» امامشان بود، ببینید این مسخره است؛ یعنی اینطور حرف زدن شریعت را به استهزاء گرفتن است به اضافه خود اینها در «صحیح مسلم» حدیث ۴۶۸۶ آوردند که:

## «وَمَنْ مَاتَ وَلَيْسَ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ مَاتَ مِثْلَهُ جَاهِلِيَّةً»

حدیث ۱۸۵۳ می گوید:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

صحیح مسلم ، اسم المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسين القشيري النيسابوري الوفاة: ۲۶۱ ، دار

النشر : دار إحياء التراث العربي - بيروت ، تحقيق : محمد فؤاد عبد الباقي، ج ۳، ص ۱۴۸۰، ح ۱۸۵۳

سؤالی که امام صادق (سلام الله عليه) در پاسخش قسم خورد!

خود پیغمبر می گوید در هر عصری یک امام باید باشد، اگر با دو تا امام بیعت بشود امام دوم، مهدور الدم و واجب القتل است. لذا فرمود:

«إِذَا بُوِيعَ لِخَلِيفَتَيْنِ فَأَقْتُلُوا الْآخَرَ مِنْهُمَا»

خیلی واضح و روشن است، مانده اند چه کار کنند؟ در کتب شیعه هم همین طور است. «کافی» نقل می کند که راوی می گوید - «فضیل بن یسار» که از اصحاب امام باقر و جزء کسانی است که دارای کرامت بوده - از امام صادق سوال کردیم یا بن رسول الله اینچنین روایتی مردم نقل می کنند که پیغمبر فرمود:

«مَنْ مَاتَ، وَلَيْسَ لَهُ إِمَامٌ، مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»

آیا:

«قال ذلك رسول الله؟»

حضرت فرمود:

«إِي وَاللَّهِ قَدْ قَالَ قُلْتُ فَكُلُّ مَنْ مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ إِمَامٌ فَمِيتُهُ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً قَالَ نَعَمْ.»

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۶، ح ۱

در این زمینه ما چندین روایت داریم. در روایت دیگر می‌گوید:

« مَنْ مَاتَ لَا يَعْرِفُ إِمَامَهُ مَاتَ مِثَّةً جَاهِلِيَّةً جَاهِلِيَّةً كُفْرًا وَ نِفَاقًا وَ ضَلَالًا »

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج ۱،

ص ۳۷۷، ح ۳

این نشان می‌دهد بر این که اسلام منهای ولایت، اسلام نیست همان دوران جاهلیت است که مردم بدون دین و بدون آیین از دنیا می‌رفتند. (وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا) یعنی این، (أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ) یعنی این.

دین ناقص مثل این می‌ماند که شما یک ساختمانی درست می‌کنید ولی ناقص است، نمی‌گویند این آقا ساختمان درست کرده و چه بسا می‌گویند بیت المال، یا پول صاحبخانه را نابود کرده. نه تنها خانه ارزش ندارد بلکه باید در محکمه بیاید و جواب بدهد که سرمایه را هدر داده و لذا این قضیه کاملاً واضح و روشن است.

بیت القصیر «ولایت در قرآن»، این سه آیه است!

بیش از این نمی‌خواهم در این زمینه توضیح بدهم فقط یک روایتی را از امام باقر (سلام الله علیه) نقل می‌کنم، زیرا ما هر چه خواندیم از اهل سنت بود. مرحوم «کلینی» در «کافی» روایتی را نقل می‌کند که خیلی روایت خوبی است، سنداً هم صحیح است حضرت می‌آید سه تا آیه را درباره امامت مورد بحث قرار می‌دهد که این سه آیه می‌شود گفت بیت القصیر ولایت در قرآن است.

یکی آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) است که «شیخ طوسی» می‌گوید قوی‌ترین دلیل شیعه بر امامت امیر المؤمنین همین آیه ۵۵ سوره مائده است، بعد حضرت به آیه ۶۷ سوره مائده استدلال می‌کند و بعد از آن به آیه ۳ سوره مائده استدلال می‌کند و لذا من از همه عزیزان تقاضا دارم روی این سه آیه به خوبی کار کنند.

ما یک برنامه‌ای در «شبکه ولایت» تحت عنوان «اثبات امامت الهی و خلافت بلافضل امیر المؤمنین در پنج دقیقه از کتب اهل سنت با سند صحیح» داشتیم ما سه آیه آوردیم، سه تا هم روایت آوردیم. این مطلب را من ۱۰ شب ماه رمضان هر شب تکرار کردم، دوستان ما گفتند شما ۱۰ شب تکرار می‌کنید این ملال آور است و مردم خسته می‌شوند گفتم خدا در سوره الرحمن ۳۷ بار:

**(فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ)**

پس کدامین نعمتهای پروردگارتان را تکذیب می‌کنید (شما ای گروه جن و انس)؟!

**سوره الرحمن (۵۵): آیه ۱۳**

را تکرار کرده است. اگر ۳۷ شب هم تکرار کنم تازه مثل سوره الرحمن می‌شود، ما دیدیم بعد از ۱۰ شب حتی بچه‌های کوچک ۸-۹ ساله روی خط آمدند شروع کردند این سه آیه و سه روایت را از حفظ با جلد و صفحه بیان کردند.

یکی از این‌ها به نام «فاطمه ۹ ساله از یزد» با شبکه وهابی کلمه تماس گرفت، گفت آقا اگر به من دختر ۹ ساله اجازه بدهید حاضرم امامت الهی و خلافت بلافضل امیر المؤمنین را در ۵ دقیقه برای مخاطبین و بیننده‌هایتان اثبات کنم. دست مجری این شبکه لرزید و رنگش پرید سریع تلفن را قطع کرد!!

ما امروز باید این‌چنین باشیم بچه‌ها را از دوران کودکی با ولایت استدلالی عجین کنیم، از ولایت تقلیدی بیرون بیاوریم. از ما سوال می‌کنند علی حق است یا غیر علی؟ می‌گوییم چرا علی؟ می‌گوید پدر و مادرم گفته علی حق است، آن «یهودی» هم می‌گوید پدر و مادرم گفتند موسی حق است «نصارا» هم می‌گوید پدر و مادر گفتند حضرت عیسی حق است «وهابی» هم می‌گوید پدر و مادرم گفتند «ابن تیمیه» حق است چه فرقی میان ما و آن‌ها است؟

لذا من تقاضا دارم عزیزان و بزرگواران ما روی ولایت استدلالی از همان دوران دبستان کار کنند، دوستان اگر وارد «سایت ولیعصر» بشوند کلمه پنج دقیقه را سرچ بزنند آنجا به طور مفصل سه تا سه تا روایت را آوردیم.

آیه اول؛ آیه (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ) هست که اهل سنت همگی اتفاق نظر دارند این آیه در حق امیرالمؤمنین نازل شده است.

«طبری» در تفسیرش جلد ۶، صفحه ۳۹۸ می‌گوید این آیه در حق علی است. «ابن ابی حاتم» در تفسیرش جلد ۴، صفحه ۱۱۶۲ می‌گوید این آیه در حق علی است. «آلوسی» در تفسیرش «روح المعانی» می‌گوید:

«غالب الأخباریین علی أنها نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی الوفاة: ۱۲۷۰هـ، دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بیروت، ج ۶، ص

۱۶۷

آیه دوم؛ آیه (يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ) است که «آلوسی» در تفسیرش جلد ۶، صفحه ۱۹۳ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده، «سیوطی» در «در المنثور» جلد ۲، صفحه ۲۹۲ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده، «شوکانی» در «فتح القدير» جلد ۲، صفحه ۶۰ می‌گوید این آیه در حق علی نازل شده. «ابن ابی حاتم» در تفسیرش جلد ۲، صفحه ۱۱۷۲ می‌گوید در حق علی نازل شده است.

آیه سوم، آیه: (اليوم أكملتُ لكم دينكم) است. «خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ۸، صفحه ۲۸۴ می‌گوید در حق علی نازل شده است. این سه تا آیه دلالت بر امامت امیرالمؤمنین می‌کند.

## بیت القصیر «ولایت در روایات»، این سه روایت است!

در زمینه اثبات ولایت امیرالمؤمنین، سه تا حدیث ما آوردیم. **روایت اول**؛ حدیث ولایت است که پیغمبر فرمود:

«أنت ولي كل مؤمن بعدي ومؤمنة»

تو ولی امر همه مؤمنین بعد از من هستی

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥

هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى ، تحقيق: مصطفى عبد

القادر عطا، ج ٣، ص ١٤٣

آقای «البانی» هم در کتاب «السلسلة الاحاديث الصحيحه» در جلد ٥، صفحه ٢٢٢ این حدیث را نقل کرده

است.

**روایت دوم**؛ حدیث خلافت است که پیغمبر فرمود:

« أنت خليفتي في كل مؤمن من بعدي »

تو خلیفه و جانشین بر تمام مؤمنین بعد از من هستی!

السنة، اسم المؤلف: عمرو بن أبي عاصم الضحاك الشيباني الوفاة: ٢٨٧، دار النشر: المكتب الإسلامي -

بيروت - ١٤٠٠، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، ج ٢، ص ٥٦٥

**روایت سوم**؛ حدیث امامت است که پیغمبر فرمود:

## «أوحى إلي في علي ثلاث أنه إمام المتقين»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري الوفاة: ٤٠٥

هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - ١٤١١هـ - ١٩٩٠م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد

القادر عطا، ج ٣، ص ١٤٨

پس شد سه تا واژه «علی ولی امر مؤمنین»، «خلیفه من»، و «امام مؤمنین». فرمود:

## «أنت إمام كل مؤمن ومؤمنة»

«مستدرک» جلد ٣، صفحه ١٣٨؛ «مناقب خوارزمی» صفحه ٦٠، ببینید در پنج دقیقه شاید این حرف من کمتر از پنج دقیقه شد این را باید به صورت مسابقه در مدارسمان در دانشگاه‌هایمان، در مساجدمان در اداره‌مان بگذاریم که حداقل از ما اگر سوال کردند چه دلیلی برای امامت علی در قرآن یا در سنت دارید، بتوانیم دو دقیقه حرف بزنیم.

امروز هم عصر مصدر و آدرس دادن است. شما می‌گویید در روایت آمده می‌گوید کجا؟ آدرسش را برایم بگو، شاید شما دارید دروغ می‌گویید؛ ولی اگر شما مصدر را ذکر کردید آدرس دادید، می‌گویی شما برو مصدر را ببین که راست می‌گویم یا نمی‌گویم.

## مناظره با مفتی اعظم عربستان درباره مشروعیت توسل

من در سال ٨٢ در «مکه» بودم با جناب آقای «نواب» که الان مسئول بعثه آقا است در «طائف» منزل مفتی اعظم عربستان که بالاترین مقام علمی‌شان است رفتیم، در آنجا با ایشان یک ساعت بحث خیلی مفصلی داشتیم، من توفیق داشتم بیش از ٢٠٠ جلسه مناظره در خاک «عربستان» با اساتید دانشگاه‌ها، دانشجویان، مولوی‌ها و مفتیان‌شان داشته باشم.

یکی از مهم‌ترین مناظره‌های من با مفتی اعظم وهابی‌ها بود، شما اگر قدرت حضرت امام را به توان ۲۰ منهای تقوا حساب کنید، مفتی اعظم «عربستان سعودی» می‌شود، از دهانش آتش می‌بارد، در رابطه با بحث توسل که امروزه وهابی‌ها در گوشه و کنار تبلیغ می‌کنند بحث می‌کردیم که می‌گویند آقا توسل شرک است، یا رسول الله، یا علی نگویید؛ یا الله بگویید.

من از مفتی سوال کردم شما دلیل‌تان چیست که می‌گویید توسل شرک است؟ گفت این همه آیه در قرآن داریم گفتم چند تایش را قرائت کن.

گفت:

**(وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ)**

معبود دیگری را با خدا مخوان

سوره قصص (۲۸): آیه ۸۸

یا فرمود:

**(إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَالِكُمْ)**

آنهایی را که غیر از خدا می‌خوانید (و پرستش می‌کنید)، بندگانی همچون خود شما هستند

سوره اعراف (۷): آیه ۱۹۴

گفت: آن‌های که شما می‌خوانید بندگانی مثل شما هستند، گفتم شیخ این‌ها مربوط به توسل نیست این‌ها مربوط به بت‌پرستی است. می‌گوید غیر خدا را نپرستید. گفتم آیه ۹۷ سوره یوسف چه می‌گوید:



## (یا اَبَانَا اسْتَعْفِرْ لَنَا)

پدر! از خدا آمرزش گناهان ما را بخواه

سوره یوسف (۱۲): آیه ۹۷

اگر یا رسول الله گفتن شرک است (یا اَبَانَا) گفتن هم شرک است فرقی ندارد. شاخ و دم ندارد. یک دفعه می‌گوید «یا رسول الله اشفع لنا عندالله» یک دفعه می‌گوید «یا ابانا یا جدنا اشفع لنا عندالله» شیعه می‌گوید «یا وجیهاً عندالله» پسران یعقوب گفتند: (یا اَبَانَا اسْتَعْفِرْ لَنَا)

معطل ماند؛ بعد گفت حضرت یعقوب زنده بود؛ ولی پیغمبر از دنیا رفته، گفتم عجب! اگر پیغمبر زنده باشد این شرک محقق نمی‌شود؛ ولی پیغمبر به مجرد این‌که از دنیا رفت این توحید شرک می‌شود؟ این چه توحیدی است که با رحلت پیغمبر توحید مبدل به شرک شد؟

بعد گفت آقا شما اسلام را خوب فهمیدید یا صحابه؟ گفتم مراد شما چیست؟ گفت ما نداریم صحابه یک مورد متوسل به قبر پیغمبر بشوند، این فقط مال شما شیعه‌ها است. گفتم ما ده‌ها روایت در کتب شما داریم بر این‌که مؤذن پیغمبر، «بلال ابن حارث» و افراد دیگر بعد از رحلت پیغمبر متوسل به قبر پیغمبر شدند.

در زمان خلافت عمر ابن الخطاب، «بلال ابن حارث» صحابی کنار قبر پیغمبر می‌آید «یا رسول الله» می‌گوید شما می‌گویید باید یا الله بگویید، یا رسول الله شرک است ولی او می‌گوید:

«یا رسول الله استسق لامتك فإنهم قد هلکوا»

فتح الباری شرح صحیح البخاری ، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی

الوفاة: ۸۵۲، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب ج ۲، ص ۴۹۵

بعد پیغمبر را خواب می‌بیند پیغمبر می‌گوید برو به عمر بن الخطاب سلام برسان، بگو یارانه‌های مردم را بیشتر بکنید. این هم نزد عمر می‌آید می‌گوید آقا پیغمبر گفت یارانه‌ها را یک مقداری توسعه بدهید، عمر هم گریه کرد و گفت: عجب پیغمبر به ما لطف دارند، چشم یارانه‌ها را یک مقدار بیشتر می‌کنیم، پیغمبر نگفت آقای «بلال ابن حارث» شما مشرک شدی!

این آقای مفتی گفت این روایت ضعیف و جعلی است تعجب است که شما به روایات جعلی استدلال می‌کنید. گفتم آقا روایت جعلی است؟ «ابن حجر عسقلانی» از استوانه‌های رجالی‌شان است - این‌ها در تاریخ اهل سنت چهار نفر دارند به این‌ها می‌بالند این‌ها: «ذهبی»، «ابن حجر»، «مزی» و «زین الدین عراقی» هستند همان‌طور که ما «شیخ طوسی»، «سید مرتضی» و «شیخ مفید» و «علامه حلی» داریم و افتخار می‌کنیم آن‌ها هم به همین شکلی دارند - آقای «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «فتح الباری» در «شرح صحیح بخاری» جلد ۲، صفحه ۴۱۲ می‌گوید این روایت صحیح است.

«ابن کثیر» شاگرد «ابن تیمیه» در «البدایه والنهایه» جلد ۷، صفحه ۱۰۵ می‌گوید روایت صحیح است، وقتی من این‌ها را محکم با جلد صفحه گفتم، مثل ماشینی که در حال افتادن به دره است و هر چه گاز می‌دهند بیشتر به سمت دره می‌رود، شروع کرد بله، مبانی شرک فلان است و مبادی توحید....

یکی از معاونینش که کنارش نشسته بود گفت آقا این چه حرفی است می‌زنی؟ این آقا دارد می‌گوید «ابن کثیر» و «ابن حجر» این روایت را صحیح دانستند، اگر راست می‌گوید در صحت روایت اشکال وارد کن، گفت کتاب را بیاورید ببینم راست می‌گوید یا دروغ می‌گوید. کتاب را برایش آوردند و خواندند گفتند بله راست می‌گوید. هر دو می‌گویند روایت صحیح است. بعد بین خودشان دعوی زرگری مفصلی کردند. من به جناب آقای «نواب» گفتم آقای «نواب» ما کار خودمان را کردیم، زودتر برویم اگر بمانیم یا باید در سیاه چال‌های زندان «عربستان» برویم یا بالای چوبه دار! خدا حافظی کردیم و برگشتیم.

ببینید امروز عصر، عصر این است که شما ده تا روایت نقل کنید یک وهابی می‌گوید آقا روایت ضعیف است، به نفع خودشان باشد روایت صحیح است به ضرر خودشان باشد روایت جعلی و ساختگی است.

و لذا ما باید بحث کنیم تلاش کنیم بچه‌های مان از دوران کودکی ولایت در پوست و گوشت و استخوان‌شان عجین بشود، این بچه ای که در دوران کودکی بحث‌های استدلالی را یاد بگیرد، وقتی دبیرستان و دانشگاه می‌رود دیگر نمی‌لغزد، با یک باد مسموم وهابیت، این طرف و آن طرف نمی‌شود.

این بچه اگر چنانچه فردا در دریای کفر قدم بگذارد پایش خیس نمی‌شود، مسئول ما هستیم اول پدر و مادرها بعد شما عزیزان آموزشی و پرروشی! اگر يك وقت جوان‌های شما به دامن وهابیت سقوط می‌کنند، مسئول شما هستید، بدانید فردای قیامت بخشی از این کتک برای شما و بخشی هم مال ما روحانیت است، اگر ما به وظیفه‌مان عمل بکنیم و این بچه‌ها را از اول کودکی، بچه‌های ولایی بار بیاوریم این بچه‌ها یک روز «وهابی»، «یمانی»، «سلفی» فلان و فلان نمی‌شوند.

باید ما این‌ها را همان‌طوری که آقا امام زین العابدین می‌فرمایند:

**«وَأَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيْتَهُ»**

این بچه‌ی که در اختیار تو قرار دادند در برابر این مسئول هستی، اولین وظایف‌ات خداشناسی است، و دومین وظایف‌ات امام شناسی است که باید به او یاد بدهید؛ بحث دیگر ندارد.

**«وَالدَّلَالَةَ عَلَى رَبِّهِ»**

تحف العقول عن آل الرسول؛ ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، جامعه مدرسین - قم، چاپ: دوم، ۱۴۰۴

۱ / ۳۶۳ اق، ص ۲۶۳

لذا ما می‌بینیم در جامعه ما هر باد مسمومی می‌وزد بچه‌ها به آن سمت کشیده می‌شوند.

## فرقه ای که خطرش از خطر «وهابیت» و «داعش» بیشتر است!

دوستان گفتند در رابطه با «یمانی» صحبت کنید. الان قضیه «یمانی» در استان شما و در بعضی از استان‌های دیگر وجود دارد، من تأسف می‌خورم چون ما قضیه مهدویت را با خوبی برای بچه‌ها و جوان‌هایمان تشریح نکردیم، فرهنگ مهدویت را باز نکردیم که این جوان وقتی می‌شنود فلانی می‌گوید من فرزند امام زمان هستم فلانی می‌گوید من فرستاده امام زمان هستم، بچه روی عقیده مقدسی که دارد جذب این فتنه می‌شود!

امروز فتنه «یمانی» در «عراق»، «ایران»، «مصر»، «عربستان سعودی» منطقه شیعه نشین «احساء و قطیف» دارد فتنه ایجاد می‌کند، این‌ها خطر است، من بارها گفتم این خطر از خطر «وهابیت»، «داعش» و «منافقین» به مراتب بیشتر است.

رهبرشان می‌گوید من با چهار نسب پسر امام زمان هستم، بابایم امام زمان به من گفته برو مراجع و علمای شیعه را بکش تا من ظهور کنم!! خواهران و برادران عزیز این فتنه، فتنه کمی نیست.

یک سری را جادو و سحر می‌کنند یا از هیپنوتیزم استفاده می‌کنند، آقا شما فلان شب خواب می‌بینید و همان شب شما خواب می‌بینید فردا زنگ می‌زند می‌گوید خوابی که دیدی آن آقای که در خوابت آمده بود و او را نشناختی حضرت علی بود آن کسی هم که کنارش بود امام زمان بود. این خواب یعنی این که به پسر من «احمد الحسن» ایمان بیاور، این طلبه، این معلم، این سپاهی نمی‌داند هیچ پیغمبری نیامده با خواب مردم را جذب کند.

الان بحث هیپنوتیزم یک بحثی است که علم روز قبولش دارد. کسی که یک مقداری ریاضت کشیده باشد می‌تواند نه تنها در خواب، بلکه در بیداری چیزی اراده کند، اراده‌اش را به شما منتقل کند آنچه که از ذهن این می‌گذرد شما همان را صحبت کنید این طبیعی کار است؛ ولی این شخص توجه ندارد همین که دو تا خواب دید جذب می‌شود.

یا می‌گویید شما استخاره کن، ببین خوب می‌آید یا نه، طرف می‌گوید استخاره کردم بد آمد، می‌گویید نه نیتت خراب بوده دوباره استخاره کن، دوباره استخاره می‌کند آقا آیه عذاب آمد، می‌گویید نه آقا نیت تو بد بوده، خدا آقای «کافی» را بیامرزد می‌گفت یک آقای آمده بود می‌خواست کاری انجام بدهد به من گفت یک استخاره کن! استخاره کردم بد آمد. گفت: آقا دومی، سومی، در آخر گفت آقا شما بی‌کار هستی، من هم بی‌کار هستم؛ به قدری استخاره کن تا خوب بیاد! این‌ها هم به همین شکل است.

### من حاضرم با این شخص مناظره و سپس مباحثه کنم!

به نظرم سال ۲۰۰۸ بود این آقا به علمای شیعه نامه نوشته بود که بیایید به من ایمان بیاورید و با من مباحثه کنید. اولین نفر مقام معظم رهبری و نفر دوم اسم بنده را آورده بود که شما به من بی‌پویندید و اگر مناظره می‌خواهید حاضرم با شما مناظره کنم.

من شاید بیش از ۱۰۰ بار در ماهواره‌ها، رسانه‌های دیگر و فضای مجازی اعلام کردم من حاضر هستم هم مناظره و هم مباحثه کنم. مناظره نه این‌که «احمد الحسن» فرزند و فرستاده امام زمان است نه، من مناظره می‌کنم که این آقا مرتد، نجس، کافر و مهدور الدم است! حاضر هستید بیایید. چرا سراغ ما نمی‌آیید؟

گفتم الحمد لله خدا به برکت اهل بیت به من یک آبروی داده، داخل و خارج کشور اگر من «احمد الحسنی» بشوم حداقل ۵۰۰ هزار نفر به همراه خودم می‌آورم. چرا سراغ من نمی‌آیید؟ چرا سراغ چهار تا کشاورز، رعیت و بقال و طلبه بی‌سواد و معلمی که آگاهی ندارد می‌روید؟

ما نزدیک ده، دوازده سال است داد می‌زنیم که برای مناظره حاضر هستیم. یک جای در فضای مجازی معین بشود، الان فضای مجازی راه‌های ارتباطی همه را نزدیک کرده، شما هر کجای دنیا هستید در ماهواره یا اینترنت، در برنامه زنده بیایید با هم مناظره کنیم و مباحثه هم می‌کنیم، مباحثه از معجزات اسلام است اگر دو نفر با هم مباحثه کنند خدای عالم طرف باطل را در جا نابود می‌کند.

ائمه (عليهم السلام) بارها فرمودند:

«بَاهِلُوهُمْ فِي عَلِيٍّ»

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ مجلسی، محمد باقر، دار إحياء التراث العربي - بيروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق،

ج ۱۰؛ ص ۴۵۲

فرمود وقتی با «نواصب» و «خوارج» مناظره می‌کنید نتیجه نداد، سراغ مباحله بروید.

نمونه ای از ادعاهای کفرآلود «احمد الحسن»!

من یکی دو تا نمونه از ادعاهای این شخص را عرض کنم بعد اگر دوستان سوال دارند مطرح بفرمایند من در خدمت‌شان هستم.

این مطلب را متذکر بشوم ادعاهایی که این آقا دارد، کفریاتی که دارد، ملاحظه بفرمایید ادعا دارد که من امام و فرستاده حضرت مهدی هستم که به این‌ها اصلاً کار ندارم، اما اهانت به مقدساتی که ایشان دارد اهانت به پیامبران و... ببینید آیا آدم عاقل سراغ همچنین فردی می‌رود؟

می‌گوید حضرت ابراهیم نور ائمه را دید تصور کرد که آفریننده‌اش خدا است، این مطلب در کتاب «متشابهات» ایشان است، دارد که کتاب «متشابهات» من مثل قرآن است!! هیچ کدام از مراجع شیعه و علما نمی‌توانند به این جواب بدهند، «متشابهات» جلد ۱، صفحه ۳۰؛ حضرت ابراهیمی که نمی‌تواند تشخیص بدهد آفریننده‌اش علی یا خدا است؛ یعنی در اول خداشناسی و بت‌پرستی گیر کرده قرآن می‌گوید:

(وَاتَّبَعِ مَلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا)

و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد

## سوره نساء (۴): آیه ۱۲۵

پیغمبر! از آیین ابراهیم تبعیت کن؛ یعنی نستجیر بالله از کفریات حضرت ابراهیم است، در مورد حضرت یونس در کتاب «متشابهات» جلد ۴، صفحه ۱۰۴ ببینید چه تعبیری دارد؟ «من حقیقت را آشکار می‌کنم»؛ یعنی کفریات را؛ می‌گوید: «جسد حضرت یونس در بیابان عریان و بی‌سرپناه افتاد روحش (نستجیر بالله) در طبقات جهنم تا روز بر انگیزته شدن قیامت باقی ماند» این توهین به پیغمبر و انکار قرآن است. قرآن در سوره انبیاء دارد:

**(وَنَجِّيْنَا مِنْ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ)**

و از آن اندوه نجاتش بخشیدیم؛ و این گونه مؤمنان را نجات می‌دهیم!

## سوره انبیاء (۲۱): آیه ۸۸

حضرت یونس، به خاطر ترک اولی که کرده بود در شکم نهنگ رفت آن‌جا استغفار کرد ما او را نجات دادیم، هر کس مثل حضرت یونس استغفار کند ما نجاتش می‌دهیم، اصلاً خدای عالم برای تمام مؤمنین حضرت یونس را الگو قرار داده؛ ولی این شخص می‌گوید (نستجیر بالله) قرآن اشتباه کرده یونس به جهنم رفت و تا قیامت در جهنم است!

قرآن می‌گوید:

**(وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ)**

و او را به سوی جمعیت یکصد هزار نفری -یا بیشتر- فرستادیم!

## سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۷

بعد از این که حضرت یونس از شکم ماهی بیرون آمد به طرف قومش رفت که بیش از صد هزار نفر بودند همه به او ایمان آوردند

**(فَأْمَنُوا فَمَعْنَاهُمْ إِلَى حِينٍ)**

آنها ایمان آوردند، از این رو تا مدت معلومی آنان را از مواهب زندگی بهره‌مند ساختیم!

**سوره صافات (۳۷): آیه ۱۴۸**

ببینید این هم توهین و جسارت (نستجیر بالله) به یک پیغمبر است و خودش کفر است. شما از هر روحانی شیعه، سنی، وهابی حتی از مسیحی‌ها سوال کنید، اگر نسبت به یک پیغمبری کسی بگوید به جهنم رفته این کفر است یا نه؟ از یهودی‌ها سوال کنید، از یک خاخام یهودی سوال کنید کسی که در مورد پیغمبر همچنین عبارتی بگوید آیا این را شما کافر می‌دانید یا نه؟ اتفاق تمام ادیان ابراهیمی است کسی به پیغمبر جسارت کند کافر، مرتد و مهدور الدم است این آقا می‌گوید من فرزند امام زمان و امام هستم!

یا ادعا می‌کند که می‌گویند پیغمبر خاتم انبیاء است، همه این‌ها دروغ است این را آخوندها گفتند. من «احمد الحسن» هم مقام نبوت و هم مقام رسالت دارم. حتی ائمه (علیهم السلام) و «مهدیین» - خودش می‌گوید من اولین مهدی هستم و یازده نفر بعد از من خواهند آمد - مقام نبوت دارند «وهم رسل»؛ همه این‌ها دارای مقام امامت و رسالت هستند، بعد در کتابش می‌گوید اگر کسی بگوید نبوت با رسالت رسول اکرم خاتمه یافت مخالف روایات استمرار نبوت است، شما از این بهتر کفر می‌خواهید؟

توهین به ائمه (علیهم السلام) دیگر دست گل این آقا است. شما این را بروید از یک وهابی سوال کنید نه از شیعه! بگویید آیا کسی همچنین تعبیری نسبت به امیر المؤمنین داشته باشد مسلمان است یا نه؟ ایشان دارد



در وجود امیر المؤمنین (نستجیر بالله) یک منیت و ظلمتی کم بوده که اگر این منیت و ظلمت نبود علی همان محمد می شد!!

یعنی لازم نبود پیغمبر بیاید دیگر، علی ابن ابیطالب به عنوان پیغمبر آخر الزمان می آمد؛ ولی چون در وجودش یک منیت و ظلمتی بوده قرعه پیغمبری به نام علی نیافتاد! من همین طوری مانده ام این های که جذب این آقا با این کفریاتش می شوند عقل دارند یا ندارند؟ من در عقل این ها شک می کنم این ها را افسون، جادو و یا سحر می کنند ما خودمان در آن ماندیم.

در رابطه با امام حسین (سلام الله علیه) دارد که در وجود امام حسین (نستجیر بالله) یک شرکی بود، به این معنا که حضرت امام حسین دارای شرک بوده است. تعدادی از این ها که در هیئت های «تهران» در «هیئت می رفتند ما یکی از بچه ها را فرستادیم که با ایشان مناظره و بحث کند، می گفت من حدود یک ساعت، یک ساعت و نیم با این شخص بحث کردم دیدم بحث فایده ی ندارد، گفتم آقا اگر کسی بگوید امام حسین مشرک بوده چه کار می کنی؟ گفت چهار تا فحش آبدار داد و گفت با مشتم می زنم دهانش را خرد می کنم!

گفتم بفرما این کتاب «متشابهات» جلد ۲، صفحه ۳۰ مطالعه کن، می گوید مطالعه کرد زمین گذاشت یک مقدار فکر کرد سه مرتبه مطالعه کرد کتاب را پرت کرد شروع کرد به «احمد الحسن» فحش های آبدار و ناموسی دادن، گفت این خبیث چقدر آدم ملعونی است که نسبت به امام حسین اهانت می کند.

مشکل ما این است که ما اطلاع رسانی نمی کنیم، ما بصیرت افزای نداریم، ما فرهنگ امامت را روشن نمی کنیم. ائمه (علیهم السلام) می دیدند در جامعه افراد فاسدی رشد می کردند، بلافاصله ائمه در برابرشان موضع می گرفتند.

ببینید وقتی «یونس ابن ظبیان» نسبت به ائمه ادعای الوهیت می کند، چقدر ما از ائمه (علیهم السلام) روایت در مذمت یونس داریم امام صادق فرمود:

## «ولعن یونس بن ظبیان ألف لعنة تتبعها ألف لعنة»

خدا هزار بار «یونس ابن ظبیان» را لعنت کند، از هر لعنتی هم هزار لعنت منشعب بشود!

بحار الانوار، العلامة المجلسی، ج ۲۵، ص ۲۶۴، باب ۱۰، ح ۳

یا «مغیره ابن سعید» حدیث جعل می کند امام باقر می گوید:

## «لَعَنَ اللَّهُ الْمُغِيرَةَ بْنَ سَعِيدٍ»

خدا «مغیره ابن سعید» را لعنت کند

بحار الأنوار (ط - بیروت)، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار إحياء التراث العربي - بیروت، چاپ:

دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۲۵؛ ص ۲۹۷

افرادی که در عصر ائمه در جامعه به مسیر انحراف می رفتند، ائمه (علیهم السلام) اینها را رسوا و مفتضح می کردند، نمی گذاشتند همین طوری هر کسی مادرش خانه اش راه نمی دهد بیاید یک بساط و دکانی باز کند، و لذا ما وظیفه داریم نسبت به فرق انحرافی اطلاع رسانی کنیم.

قبل از این که شبهه بیاید باید جوان ما آگاه باشد که یک همچنین فرقه ای هم در راه است، همچنین فرقه ای هم دارند کار می کنند، اینها از کفریات و مزخرفات شان نزدیک به ۳۰۰ تا کتاب نوشتند و در سایتها گذاشتند.

«احمد الحسن» نسبت به مراجع، عبارات بسیار وقیحی دارد. مثلاً می گوید: آیت الله «سیستانی» نستجیر بالله همان شیطان است، در این جا تصویر آیت الله «سیستانی» را دارد، و تعبیر بدی نسبت به ایشان دارد که من واقعاً خجالت می کشم بگویم خودتان مطالعه کنید، نسبت به آیت الله «مکارم شیرازی» نسبت به «مقام معظم رهبری» دارد که رهبری همان طاغوت زمان است!

بینید این شخص به قدری بی‌سواد و احمق است که می‌گوید منظور بنده شخص آقای «خامنه‌ای» است بگذار روشن‌گری و بت‌شکنی کنم «عمر ابن الخطاب» در «سقیفه» بدون حتی یک دلیل حاکم شد!

بابا «عمر الخطاب» نبود «ابوبکر» بود حاکم شد. این بابا دیگر این قدر هم سواد ندارد!!

شما این کلیپ را ببینید که چطوری بچه‌های جوان ما را منحرف می‌کنند؟ این شخصی را که شما می‌بینید «عباس فتحیه» یکی از شاگردان برجسته «آیت‌الله جوادی آملی» است که منحرف شده است. البته چندی پیش که خدمت آیت‌الله جوادی آملی بودیم گفتم حاج آقا از شاگردان شما آقای «عباس فتحیه» است؟ گفت نه شاگرد خیلی مهمی نبود، یکی از درس‌های ما را ایشان تقریر و تألیف کرده است!

وی می‌گوید: "ما باید سه نفر را از بین ببریم و نابود کنیم مادامی که این سه نفر هستند ما روی خوش نداریم، اول حاج آقای «خامنه‌ای»، باید حاج آقای «خامنه‌ای» را از مسیر بر داریم، دوم آقای «سیستانی» سوم آقای «مکارم شیرازی»، این سه را تا ما از بین نبریم ما روی خوش نمی‌بینیم برنامه‌های پیش نمی‌رود."

در این کلیپ یک جوان ۱۴-۱۵ ساله شمشیری به دست گرفته می‌گوید من با این شمشیر می‌خواهم دشمنان «احمد الحسن» و شخص «مقام معظم رهبری» را گردن بزنم تا زمینه آمدن امام زمان را فراهم کنم!

دوستان عزیز! ما باید حواسمان را جمع کنیم، این‌ها یک سری آدمهایی هستند که دنبال شهرت هستند. همین «عباس فتحیه» را اول طلبگی در خیلی از مدارس «قم» که رفته بود او را به خاطر حب ریاست، توهین به استاد و هم مباحثه‌هایش از مدرسه بیرون کرده بودند، مگر «بلعم باعورا» کم شخصی بود؟ که خدای عالم می‌گوید:

**(وَأَنْزَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا)**

و بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم؛

## سوره اعراف (۷): آیه ۱۷۵

اسم اعظم در اختیار «بلعم باعورا» بود. ولی در آخر چه شد!؟

(وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ)

(اما اجبار، بر خلاف سنت ماست؛ پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرایید، و از هوای

نفس پیروی کرد! مثل او همچون سگ (هار) است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز، و زبانش را

برون می آورد

## سوره اعراف (۷): آیه ۱۷۶

قرآن، خیلی از مسائل را واضح برای ما روشن کرده که شما کار به اشخاص نداشته باشید، ملاک و معیار دست

شما باشد، معرفت ائمه را داشته باشید، «علی» میزان الله است هر کسی در هر مقامی با هر شئونی اگر با

اهل بیت تطبیق کردند قبول می کنیم، یک هزارم میلی متر از اهل بیت فاصله گرفتند ما طردشان می کنیم.

آن کسانی که در زمان ائمه دکان باز کردند و مذهب تأسیس کردند شما در اینترنت سرچ کنید «علی ابن حمزه

بطائنی»، «زیاد ابن مروان قندی» از وکلای مورد اعتماد امام کاظم بودند، اموالی در اختیارشان بود خواستند این

اموال را بالا بکشند، بعد از شهادت امام کاظم، گفتند امام کاظم همان مهدی است به ما وصیت کرده این مال را

نگه دارید وقتی من قیام کردم و جهان را پر از عدل و داد می کنم، این اموال را به او بدهیم.

تاریخ برای ما آینه است اگر ما تاریخ را مطالعه کنیم خیلی از قضایا روشن می شود، من بارها به این آقایان

گفتم و در رسانه ها هم اعلام کردم این امام زمانی که به خواب فلان بقال و بزاز و کارگر و غیره می آید، چرا این

امام زمان به خواب مراجع نمی آید؟

مثلاً به خواب «مقام معظم رهبری» بیاید، به خواب آیت‌الله العظمی «سیستانی» بیاید آیت‌الله «مکارم شیرازی» بیاید و بگوید «احمد الحسن» پسر من است، این‌ها در جامعه تأثیرگذار هستند حرف فلان بقال سر کوچه را چه کسی قبول می‌کند؟ حرف فلان خانم خانه‌دار را چه کسی قبول می‌کند؟ این‌ها در روستاها می‌روند و تعداد زیادی از خانم‌ها را «احمد الحسنی» و پیرو خودشان کرده‌اند، به جای این‌که به خواب فلان خانم خانه‌داری که حتی بچه‌هایش از او حرف شنوی ندارند بیاید، به خواب یکی از مراجع بیاید دیگر مسئله تمام است.

این مطلب را من گفتم همین «فتحیه» گفت آقای «قزوینی» شاید امام زمان به خواب آقای «سیستانی» رفته؛ ولی این‌ها کتمان می‌کنند گفتم مسئله‌ی نیست، امام زمان به خواب چند تا خانم و آقا بیاید بگوید من به خواب آقای «سیستانی» رفتم کتمان کرده، این که مشکل ندارد، یا من به خواب «مقام معظم رهبری» رفتم، گفتم از این پسر حمایت کن ولی ایشان کتمان کرده، این که خیلی راحت است.

این‌ها سراغ افراد که نا آگاه هستند یا افرادی که دنبال ریاست هستند، هوا برشان داشته مثل «بلعم باعورا» هستند سراغ این‌ها می‌روند، سراغ یک روحانی وارد و مسلط نمی‌روند،

**پرسش: (چرا نامی از امام علی و امامان در قرآن برده نشده است؟)**

خداوند که قادر و مطلق است در «عید غدیر» حضرت علی را توسط پیامبر به جانشینی پیامبر معرفی کرد، چرا نامی از امام علی و امامان در قرآن برده نشده؟

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

از امام صادق (سلام الله علیه) سوال کردند که یابن رسول الله چرا نام علی در قرآن نیامده؟ حضرت فرمود به این‌ها بگویید خدای عالم در کجای قرآن نوشته نماز صبح دو رکعت است؟ گفته نماز بخوانید کجا گفته نماز ظهر و عصر چهار رکعت است؟ نماز رکوع و سجود دارد خدای عالم در قرآن آیه ۴۴ سوره نحل می‌گوید:

(وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ)

و ما این ذکر [= قرآن] را بر تو نازل کردیم، تا آنچه به سوی مردم نازل شده است برای آنها روشن

سازی؛ و شاید اندیشه کنند!

سوره نحل (۱۶): آیه ۴۴

پیغمبر ما قرآن را به تو نازل کردیم برای مردم تبیین کن. خدای عالم می گوید:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا)

سرپرست و ولی شما، تنها خداست و پیامبر او و آنها که ایمان آورده اند

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

بعد پیغمبر اکرم می گوید مراد از (وَالَّذِينَ آمَنُوا)، علی ابن ابیطالب است. و یا فرمود:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ)

امروز، دین شما را کامل کردم

سوره مائده (۵): آیه ۳

امام صادق گفت پیغمبر فرمود مراد از «الْيَوْمَ» روز ولایت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) است و اضافه بر این

کمتر کسی از «قریش» بود که امیر المؤمنین او را با شمشیرش به درک واصل نکرده باشد، کینه‌ای از امیر

المؤمنین داشتند اگر نام علی در قرآن آمده بود به تعبیری که حضرت امام در «کشف اسرار» دارد چه بسا قرآن

را تحریف می کردند، آیات قرآن را جابجا می کردند و لذا خدای عالم یک مشخصاتی برای علی گذاشته:

## (وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

و آنها که ایمان آورده‌اند؛ همانها که نماز را برپا می‌دارند، و در حال رکوع، زکات می‌دهند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

این مصداق در تاریخ اسلام، یک بار آمده، دو بار نیامده حتی در بعضی از روایات است «عمر ابن الخطاب» ۶۰ بار به یک سائل گفت من به رکوع می‌روم شما بیا من به تو انگشتر بدهم درباره من هم آیه نازل بشود ولی آیه نیامد!!

دوستان عزیز! ما باید دقت کنیم در جامعه‌مان «سلمان»، «ابوذر»، «میثم تمار» و «عمار یاسر» تربیت کنیم که این‌ها قطعه قطعه هم شدند دست از علی بر ندارند، داستان «میثم تمار» را حتماً شنیدید امیر المؤمنین می‌گوید «میثم» روزی فرا خواهد رسید به تو می‌گویند از علی دست بر دار، گفت دست بر نمی‌دارم فرمود «میثم» دستت، پایت، زبانت را می‌برند؛

بینید چه می‌گوید؟ می‌گوید یا علی دست من قابل ندارد، پا و زبان من چه ارزشی به خاطر شما دارد؟ گفت وقتی «عبید الله زیاد» دستور داد دست و پای «میثم» را بریدن، بالای درخت نخل آویزان کردند، وقتی شاهرگ را بزنند خون فواره می‌کند، تا چه برسد دو دست و پا را بریدند و آویزان کردند، به جای این‌که بگوید ای وای دستم، ای وای پایم فرزندانم مانند همسرم بی‌سرپرست شد، همان‌جا بالای دار می‌گوید آی مردم چند دقیقه‌ای که از عمر من باقی است این سینه من مملو از فضائل علی است بیایید این‌جا از علی برای‌تان بگویم، از دست و پا خون جاری است دست از علی بر نمی‌دارد.

«عمرو ابن حرث» خبیث به «عبداللہ زیاد» می‌گوید اگر «عمار» با این وضع سخنرانی کند مردم «کوفه» را علیه تو می‌شوراند. می‌گوید بروید زبانش را هم ببرید، ما باید این‌گونه جوان‌های تربیت کنیم که در بدترین حالت و موقعیت دست از اهل بیت بر ندارند.

آیا اگر مشکل اقتصادی آمد و یک وهابی چند میلیون پول به ما داد دست از علی بر داریم؟ خاک بر سر آن فکر و جوانی که بخواهد با چند میلیون پول دست از علی بر دارد.

یا حکومت آمد بین ما تبعیض گذاشت، فلان آقای فارس زبان چیزی گفت ما به خاطر این از علی دست بر داریم؟ البته من معتقد هستم این‌های که در استان شما گاهاً با باد مسموم وهابیت این طرف و آن طرف می‌شوند مبانی اعتقادی ضعیفی دارند. اگر مبانی اعتقادی قوی باشد مگر یک شیعه حاضر است از علی دست بر دارد؟

دوستانی از «قم»، به «زندان اهواز» رفته بودند، با این‌ها بحث کردند این‌ها برگشتند گفتند آقا چرا شما زود نیامده بودید؟ افکار ما را وهابی‌ها مسموم کرده بودند، چهار تا آیه برای ما خوانده بودند ما تصور کردیم تشیع شرک و کفر است، عزیزان این نشان می‌دهد که ما روی جوان‌های مان کار نکردیم، آموزش و پرورش ما کار نکرده، حوزه ما کار نکرده، روحانیت ما کار نکردند، همه ما خواب هستیم آن‌ها دارند کار می‌کنند و از این نقطه ضعف ما، عدم آگاهی و جهل ما دارند سو استفاده می‌کنند.

**پرسش: (نشانی سایتی در رابطه با شبهات فتنه «یمانی» را بدهید)**

**آیت الله دکتر حسینی قزوینی:**

در اینترنت خیلی از سایت‌ها در این زمینه مطلب دارد، «سایت مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولیعصر» نزدیک ۳۰ سال است که عمدتاً روی شبهات وهابیت و همچنین شبهات فرّق انحرافی به چهار زبان «فارسی»، «عربی»،



«اردو»، «انگلیسی» فعالیت دارد و مطالب بسیار غنی در این موضوعات دارد، وقتی شما به زبان فارسی وارد این سایت بشوید، در این قسمت، کل بحث‌های فتنه «احمد الحسن» را که يك شخص باید بداند را آوردیم.

من در «قم» یک هفته در میان در «مسجد حضرت زینب پردیسان» که تقریباً پر آخوندترین مسجد «قم» است؛ یعنی در نماز جماعتش ۳۵۰-۴۰۰ تا روحانی هستند، بعد از مغرب و عشا آن‌جا بحث و سخنرانی دارم، موضوع بحث من «احمد الحسن یمانی» است و کل بحث‌های ما هم در سایت ولیعصر آمده است.

همچنین ما پخش اینترنتی داریم که ۲۴ ساعته آنلاین است، دوستان اگر از طریق «بازار» هم بیایند می‌توانند «شبکه جهانی حضرت ولیعصر» را از «بازار» بگیرند و با کمترین سرعت در گوشی موبایل با نرم افزار اندروید راحت می‌توانند برنامه‌ها را ببینند. ما هفته‌ی دو، سه شب برنامه زنده در نقد فرقه «یمانی» و «احمد الحسن» داریم.

### پرسش:

آیا اگر پیامبر بیشتر عمر می‌کرد وحی بیشتری نازل می‌گردید؟

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدای عالم هر پیغمبری را به اندازه دوران رسالتش مأموریت داده، فرض کنید اگر بنا است «حضرت عیسی» ۲۰۰ فصل در شریعت بگوید، خدای عالم به «حضرت عیسی» به اندازه ۲۰۰ فصل عمر می‌دهد که تمام این را تکمیل کند.

«حضرت موسی» و حضرت «نوح» هم به همین شکل، به رسول اکرم هم خدای عالم از روز ازل این مأموریت را داده است، به اضافه این‌که در بحث قرآن، ما یک نزول دفعی داریم و یک نزول تدریجی داریم؛ نزول دفعی، در شب قدر آمده:

## (ثُمَّ أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)

ما آن [= قرآن] را در شب قدر نازل کردیم!

سوره قدر (۹۷): آیه ۱

ما همه قرآن را در (لَيْلَةِ الْقَدْرِ) بر قلب مقدس بر قلب مقدس پیغمبر نازل کردیم و بعد همان قرآنی که از اول تا آخر از باء «بسم الله حمد» تا «الناس» در سوره «الناس» بر پیغمبر شب قدر نازل شده بعد در مناسبت‌های مختلف جبرئیل یک آیه‌ای را برای پیغمبر می‌خواند پیغمبر، این آیه را امروز برای مردم بگو، آیه ابلاغ و غیره همه در نزول دفعی بر قلب مقدس رسول اکرم آمده و در مورد غدیر جبرئیل می‌گوید آیه ۶۷ سوره مائده را امروز برای مردم بخوان، آیه ۳ را امروز بخوان آیه ۱۰ را امروز بخوان ولذا این نزول تدریجی قرآن سایه ای از نزول دفعی قرآن است.

عرایض بنده تمام و ان شاء الله خدای عالم همه عزیزان را موفق بدارد، اجازه بدهید ما چند جمله دعا کنیم جلساتی که به نام نامی امیر المؤمنین است یقین داریم که دعا به اجابت می‌رسد و صدیقه طاهره به دعا‌های ما آمین می‌گویند من شبهه‌ی در آن ندارم.

خدایا تو را قسمت می‌دهیم به آبروی امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب هر چه سریع‌تر لباس فرج بر اندام ملکوتی‌مان مولای‌مان ولیعصر بپوشان.

خدایا به آبروی زهرای مرضیه مقدمات ظهورش سریعاً فراهم بگردان. به آبروی زهرای مرضیه خدایا ما را از یاران خاص و سربازان فداکار حضرتش قرار بده.

خدایا انقلاب ما به انقلاب جهانی‌اش متصل بفرما. خیر دنیا و آخرت به ما ارزانی بدار. شر دنیا و آخرت از ما دور بگردان. رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنما. حوائج همه و حوائج جمع ما خدایا به آبروی امیر المؤمنین برآورده نما. دعاهاى ما به اجابت برسان.

هدیه به ارواح پاک انبیاء، اولیاء، صالحین، شهداء صدقین بالاخص «امام راحل» صلوات بفرستید.

والسلام علیکم ورحمة الله